گفت و گو با نخستین مکانیک دختر در ایران

از شاگرد مکانیکی تا استادکاری

گفت و گو از: ایران واشقانی

زهرا معمر ۳۰ سال دارد. او دومین فرزند خانواده است. در سال ۷۸ در رشته کارشناسی زبان انگلیسی فارغ التحصیل شده و در حال حاضر اولین مکانیک دختر در ایران است. او کار خود را با مسافرکشی و تدریس خصوصی زبان آغاز کرد ولی هر گاه که تاکسی اش دچار مشکل می شد خودش با سعی و تلاش آن را تعمیر می کرد، همین شد که او با وجود موانع بسیار موفق شد تا دوره های لازم را بگذراند و او در حال حاضر مدیر یکی از کارگاههای یک شرکت خودروسازی است. بقیه ماجراهای کاری و زندگی او را از زبان خودش بخوانید:

*** چه شد به مکانیکی روی آوردید؟**

– از بچگی به کارهای فنی علاقه داشتم، کارهایی مثل برق کاری، نجاری و ... وقتی پدر یا مادرم اتوبوس مان را به تعمیرگاه می بردند همراهشان می رفتم و هر وقت تاکسی خودم دچار مشکل فنی می شد خودم آن را تعمیر می کردم. حس می کردم علاقه و توانایی این کار را دارم به همین خاطر به کارهای تعمیر خودرو و مکانیک گرایش پیدا کردم.

*** نخستین ماشینی که به صورت فنی تعمیر کردی کی بود؟**

– تعمیر موتور تاکسی خودم بود. آن را به نمایندگی بردم. از مکانیک خواستم تا خودم بالای سر ماشین باشم و او فقط به من توضیح دهد. قطعات موتور را خودم می شستم و باز و بسته می کردم.

*** از چه زمانی کار خود را به عنوان مکانیک شروع کردی؟**

– پس از آنکه حس کردم توانایی عیب یابی و تعمیر مورد خودروام را دارم به تعمیرگاهی آزاد رفتم و خواستم در آنجا کار کنم. موافقت کردند اول مثل همه شاگردها قطعات را می شستم. بعد به مکانیک آچار رساندم. بعد تعویض لنت و باز و بسته کردن گیربکس و در حال حاضر در تعمیر موتور و گیربکس و جلوبندی کار می کنم.

*** آیا در این مورد مدرکی هم داری؟**

– پس از یک سال کار کردن در تعمیرگاه خصوصی برای شرکت در آزمون به سازمان فنی و حرفه ای کرج مراجعه کردم اما گفتند امکان ندارد.

از طریق مدیر فرهنگسرای کار به مدیریت کل سازمان فنی و حرفه ای کشور معرفی شدم و قرار شد به صورت ادواری در رشته اتومکانیک آزمون بدهم. روز امتحان در مرکزی که مخصوص آقایان بود در کنار ۳۰ نفر از آنان امتحان تئوری دادم. ساعت امتحان عملی من طوری تنظیم شده بود که پس از اتمام کامل آزمون آقایان باید امتحان می دادم. آنطور که من از آقایان سؤال کرده بودم آزمون درجه ۲ فنی و حرفه ای در حد کارهای اولیه ماشین بود و یک ربع طول می کشید اما امتحان من یک ساعت طول کشید و اولین سؤال من گیربکس یک پراید بود که باز بود. آنها پس از پرسیدن در مورد قطعات و کار آنها از من خواستند گیربکس را به طور کامل جمع کنم. بعد از آن هم تعویض پلاتین و سیستم برق و تایم گیری موتور را از من خواستند. آنها فکر می کردند اگر قرار است زنی مدرک مکانیکی بگیرد باید خیلی از کارش مطمئن باشند.

*** چه نکته ای هنگام امتحان برایت جالب بود؟**

– اینکه آقایی که از من امتحان عملی گرفت آموزشگاه اتومکانیک داشت و بعد از امتحان از من خواست تا تدریس در آموزشگاهش را شروع کنم.

*** چرا نپذیرفتی که در آموزشگاه تدریس کنی؟**

– چون دوست داشتم یک شرکت خودروسازی مرا بپذیرد.

*** بعد چه اتفاقی افتاد؟**

– سه ماه بعد در روزنامه آگهی چاپ شد که از مکانیکی های نمایندگی های یک شرکت خودروسازی خواسته بودند تا در یک دوره آموزشی شرکت کنند. با آنکه من واجد شرایط نبودم اما فرم را پر کرده و ارسال کردم. بعد با مراجعه حضوری و درخواست کتبی به مدیریت آموزشی آن شرکت و پافشاری زیاد، به من اجازه داده شد تا در کلاس های شرکت کنم و من توانستم سه مدرک تخصصی موتور و گیربکس پراید - برق و انژکتور پراید را در ۱۷ اسفندماه ۸۳ بگیرم.

*** پس از اخذ این مدارک چه تغییری در وضعیت شما پیش آمد؟**

– تصمیم گرفتم از تعمیرگاه شخصی به یک نمایندگی بروم. به چند نمایندگی در کرج مراجعه کردم. آنها مرا تشویق می کردند اما می ترسیدند که به من کار بدهند تا اینکه یک نمایندگی مرا پذیرفت و من از اوایل سال ۸۴ در قسمت تعمیر موتور و گیربکس شروع به کار کردم.

*** در محیط کار راحت هستی؟**

– اوایل هر وقت بازرس می آمد می ترسیدم مرا بیرون کند و سعی می کردم پنهان شوم تا اینکه یک روز یکی از بازرسان متوجه حضور من شد. مدیر من به بازرس توضیح داد که من دارای سه مدرک تخصصی هستم. بازرسان بعدی که آمدند هم پذیرفتند و خوشحال شدند.

*** از چه حیوانی می ترسی؟**

– سوسک.

***اگر هنگام کار سوسک روی لباست باشد چه می کنی؟**

– سعی می کنم در محیط کار در برابر آقایان خودم را حفظ کنم، حتی به خودم این جرأت را بدهم که آن را با دستم بگیرم.

اگر همسر آینده ات با شغل تو مخالفتی کند کار را رها می کنی؟

اصلاً من کارم را کنار نمی گذارم، چون برای این کار خیلی زحمت کشیده ام و انتظار دارم همسرم نه تنها مخالفتی نکند، بلکه از من حمایت کند.

از حوادثی که هنگام کار برایت اتفاق افتاده بگو.

یک بار داشتم واشر کفی کاربراتور را می تراشیدم، ابزار تیزی که دستم بود ناگهان در رفت و انگشتم چهار بخیه خورد. یکبار هم انگشتم بین سیلندر و سرسیلندر گیر کرد و گوشت نوک انگشت سیاه ام قلوه کن شد. بنزین هم که فراوان درون چشمانم می پاشد.

شهرت بهتر است یا پول؟

با پول لااقل می توانم یک ماشین برای خودم بخرم. به طور میانگین روزانه ۵ ماشین تعمیر می کنم، اما خودم ماشینی ندارم.

از خاطراتت بگو.

زمانی که در تعمیرگاه خصوصی مشغول به کار بودم، یکی از مسؤولین اماکن کرج برای تعمیر ماشینش آمده بود. او لباس فرم به تن داشت. ترسیده بودم و فکر می کردم الان مرا از تعمیرگاه بیرون می کند. سعی کردم خودم را پنهان کنم، اما در کمال تعجب او خواست تا من روی ماشینش کار کنم. در پایان هم تشکر کرد و گفت بعد از این جوان های بیکار را از سر چهارراه ها جمع می کنم و می آورم اینجا تو را ببینند و درس بگیرند. برخورد او به من دلگرمی زیادی داد.

به چه ورزشی علاقه داری؟

شنا و رشته های رزمی.

در حین کار چه نوع لباسی می پوشی؟

مانتو و شلوار سورمه ای که مخصوص کارکنان دفتری است.

چرا لباس کار نمی پوشی؟

چون لباس کار مخصوص آقایان طراحی شده و روپوش های آن کوتاه است و چون من تنها مکانیک دختر هستم، هنوز تصمیم در مورد لباس من گرفته نشده است.

در محیط کار (تعمیرگاه) به شما زور نمی گویند؟

چرا! دو مکانیک مرد داریم که یکی سرمکانیک است و دیگری شاگرد که به هر دوی ما کمک می کند.

سرمکانیک ۶-۵ سال از من کوچکتر است و به من زور می گوید. او فکر می کند اگر زور نگوید، موقعیتش دچار مشکل می شود. او جوان است و غرورش باعث زورگویی می شود.

چه شباهتی بین زن و ماشین می بینی؟

به نظرم هر دو تا آخرین نفس کار می کنند و هر چقدر ناله کنند و صدایشان درآید، از آنها تا جایی که بشود کار می کشند و خیلی دیر به درد آنها توجه می شود.

چه موسیقی را دوست داری؟

بستگی به وضعیت روحی ام دارد، اما سنتی را بیشتر دوست دارم.

اگر این شغل را انتخاب نمی کردید؟

از بچگی عاشق سینما بودم. در سال ۷۷ دوره آموزش فیلمبرداری را گذراندم و در فیلم کوتاه تصویربردار بودم و در تئاتر کارگردانی و بازی کرده ام.

چرا ادامه ندادی؟

مشکلات زیادی سر راه داشتم. محیط کار برایم سخت بود. پیدا کردن جمعی که بتوانم با آنها راحت کار کنم مشکل بود. مشکلات در آن حرفه بسیار زیاد است. به نظرم کسی که در آن حرفه بالا می رود، خیلی زحمت می کشد.

چه رنگ ماشینی را دوست داری؟

سفید، چون شاد است و از نظر قیمت و صافکاری و رنگ، مقرون به صرفه است.

دست به آچارت چطور است؟

قوی است.

ظاهرت زیاد قوی نیست.

ظاهرم ریزه است و اکثریت فکر می کنند دختری با این جثه نمی تواند پیچ های بزرگ را باز کند.

یک بار پیچ دور گیربکس را به قدری سفت بسته بودم که سرمکانیک به زحمت آن را باز کرد. بعد از آن به من تذکر داد مواظب باشم پیچ نبرد.

چه کسانی مشوق شما در این کار بودند؟

معمولاً پدرها به دخترانشان دلگرمی می دهند، اما من پدرم را خیلی زود از دست دادم. همیشه مادر و خواهرانم مرا تشویق می کنند و خواهرزاده هایم سپیده و سیاوش هر روز، روزشماری می کنند به جایگاه واقعی ام برسم.

چه برنامه هایی دارید؟

آنچه دلم می خواهد با آنچه وجود دارد، متفاوت است. دلم می خواست نمایندگی داشتم که بتوانم ضمن ارائه خدمات به صاحبان ماشین، به خانم های علاقه مند به صورت عملی آموزش دهم، اما به خاطر نداشتن سرمایه این خواسته من عملی نیست.

چه تفاوتی بین زن مکانیک در ایران و یا خارج از کشور می بینید؟

حرفه من برای خانم ها در خارج از کشور نیز به ندرت پیش می آید. در فیلم ها و اینترنت دیده ام که آنها بیشتر در خط تولید کار می کنند تا تعمیرات. اما مسأله مهم این است در کشورهای خارجی وقتی خانمی حرکتی را انجام می دهد، مورد حمایت قرار می گیرد. من پس از جست وجو در اینترنت به کانادا ایمیل زدم و وضعیتم را شرح دادم، آنها مدرکی مستند از من نخواستند و استقبال کردند و دو ماه پیش برایم پذیرش فرستادند و با معرفی نام شرکت هایشان از من خواستند تا اعلام کنم در کدامیک مایل به کار هستم. ضمناً مؤسسه ای را به من معرفی کردند که در آنجا می توانستم در رشته اتومکانیک ادامه تحصیل دهم. در حالی که در ایران با مدرک به دست، به هر تعمیرگاهی برای کار مراجعه کردم، از این تقاضای دلم به درد آمد.

درآمد مکانیکی بیشتر است یا تدریس زبان انگلیسی؟

اگر سرمایه ای داشتم درآمد مکانیکی بیشتر بود. در حال حاضر هر دو درآمدشان ضعیف است.

چند ساعت در روز مکانیکی می کنی؟

از ۷ صبح تا ۶ بعدازظهر.

و وقت های بیکاری؟

به کار ترجمه و مطالعه کتب در زمینه مکانیک می پردازم و جدیداً حدود دو هفته است که پیش یکی از مکانیک های اتوبوسرانی در زمینه گیربکس های اتومات اتوبوس (Voith) آموزش می بینم.

چند دست قاشق و چنگال برای ازدواج

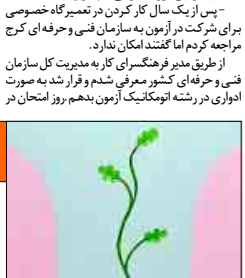

وضعیت آمار و اطلاعات به روز از بافت جمعیتی و فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی در کشور ما به گونه ای است که عملاً مدیران مسؤول و سردبیران رسانه های گروهی نسبت به چاپ مقالاتی که مملو از آمار و میزان های جمعیتی است وسواس زیادی به خرج می دهند.

آنهایی که مخاطبین واقعی و پاسخگوی اصلی این گونه مقالات هستند نیز برای فرار از پاسخگویی، معمولاً اعتبار این آمارها را زیر سؤال می برند و اصل قضیه را تحت الشعاع قرار می دهند. من نیز قصد ندارم با پرداختن به این آمارها و جر و بحث در مورد میزان دقت و جامعیت آنها این فرصت را برای مخاطبین خود فراهم سازم. شاید هیچ ارگانی و هیچ نهادی مخاطب اصلی و مسؤول واقعی آنچه می خواهم بگویم، نباشد و همه مردم، خانواده ها و شاید هم نظام آموزش و پرورش به او گفته ای در این موضوع دخالت دارند و به نوعی پاسخگو باشند.

آیا فقط با ازدواج همه معضلات جوانان حل می شود؟

خیلی ها معتقدند با وجود نهادهای مختلف از قبیل تأمین اجتماعی، بهزیستی و ... آن نیاز کهن و دیرینه زن به مرد و پدر و مادر به فرزندان بویژه در دوران کهولت کمرنگ شده است و فقط سایه ای فرهنگی اخلاقی از این پدیده اجتماعی باقی مانده است. به گمان آنها اگر ضرورتی نداشته باشد عین سادگی است که خود را درگیر مسؤولیت ها و تعهدات سنگین تشکیل خانواده و رفع نیازها و مشکلات مبتلا به کن کرد. اگر پدر و مادر زندگی آنها را تأمین کردند که هیچ و تجربه اش هم خالی از لطف نیست، در غیر این صورت ترجیح می دهند خود را به نوعی راضی و سرگرم سازند و این و آن را سرزنش کنند.

به همه دلایلی که در فرهنگ و سنن مردم این مرز و بوم برآن تصریح شده است، ازدواج به عنوان جزئی از آینده هر یک از جوانان جامعه ما رقم خورده است و همه مردم اعم از پدران و مادران جوانان، مسؤولان اجرایی، مبلغان دینی و همه و همه بر لزوم این امر پسندیده تأکید دارند.

سمت و سوی تمام فیلم های تلویزیونی، سینمایی، داستان ها و چکیده تمام موضوعات مطروحه درمحافل خانوادگی به نوعی به ازدواج و تشکیل خانواده برمی گردد. با وجود همه این ها بسیار تعجب انگیز است که چرا کسی سعی ندارد به دیگران بیاموزد که چگونه می توان با ماهی یکصد هزار تومان تشکیل خانواده داد یا با یک صد و پنجاه هزار تومان در ماه صاحب خانه شد، به آرمان ها و آرزوهای خود جامه عمل بپوشاند و مخارج زندگی یک خانواده سه، چهار نفره را تأمین کرد و آنها را راضی و خشنود نگه داشت؟!

همه تلاش می کنند تا جوانان ازدواج کنند، منتهی این بایدها و زمان آن در خانواده ها و شرایط مختلف یکسان و همگون نیست. در بسیاری از مناطق روستایی اعتقاد دارند که دخترها وقتی به سن بلوغ رسیدند باید ازدواج کنند. در خانواده های شهری با آنهایی که اعتقاد بیشتری به ادامه تحصیل فرزندان خود دارند این بایدها به فراغت از تحصیل یا دوران دانشجویی آنها موکول می شود و ...

این ها همه اگرها، شایدها، بایدها، نظرها و باورهاست، واقعیت این است که تقریباً هیچکدام از جوان هایی که به سن قانونی و شرعی برای ازدواج می رسند به دلایل مختلفی که بسیاری از آنها به عوامل اقتصادی برمی گردد قادر به انجام این فریضه نیستند! بسیاری از تحلیل گران مسائل فرهنگی اعتقاد دارند که این قضیه عامل بسیاری از برهم کنش های پیچیده اجتماعی در جامعه ماست و آن را به حیطه های اقتصادی و سیاسی نیز ارتباط می دهند.

همه انتظار دارند که دولت به عنوان مسؤول اجرایی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و کارگزار اصلی تعلیم و تربیت اتباع جامعه به گونه ای عمل کند که در شرایط آرمانی، همه جوانانی که به سن ازدواج می رسند بدون دغدغه و هراس از تبعات ناشی از آن، ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند. بر اساس این دولت ها نیز برای تسلی خانواده ها با مردم هم آواز می شوند وهم صدا با آنها از جوان ها می خواهند که ازدواج کنند.

تصور کنید همه آنهایی که به هر دلیل نتوانسته اند با نخواسته اند و یا شرایط ازدواج برای آنها فراهم نشده است، تصمیم بگیرند در یک اتحاد همگانی با یکدیگر، همسران دلخواه خود را بیابند و تشکیل خانواده دهند. طبعاً در بدو تشکیل خانواده انتظار همه آنها این است که یک زندگی مستقل با اتاق نشیمن و خواب و پذیرایی، یخچال، تلویزیون، فرش و سایر لوازم و مایحتاج زندگی مستقل داشته باشند. اگر همین فردا این گروه به طرف بازارهای فروش لوازم خانگی، آژانس های مسکن، طلافروشی ها و لباس فروشی ها به حرکت درآیند تا نیازهای اولیه خود را خریداری کنند، آن چنان زلزله مهیبی در ارکان اقتصادی و اجتماعی جامعه ما رخ خواهد داد که در کوتاه مدتی مجموعه نظام از پای بست فرو خواهد ریخت. با یک قلم و کاغذ با یک حساب سرانگشتی، این جمعیت به میلیون ها یخچال نیاز دارد که اگر قیمت متوسط آن را مثلاً دویست، سیصد هزار تومان در نظر بگیریم، رقمی بالغ بر یکی دو هزار میلیارد تومان می شود.!! طبیعی است که قیمت هر کدام از لوازم خانوادگی تابع عرضه و تقاضاست. به مجرد سرازیر شدن این گروه به بازار، قیمت اجناس به شدت افزایش می یابد و بعد از چند ساعت حتی با یک میلیون تومان نیز نمی توان یک یخچال ساخت داخل را تهیه کرد. با هجوم این جمعیت به آژانس های مسکن و تکمیل ظرفیت خانه های استیجاری خالی، مبلغ اجاره ها یک باره چندین برابر افزایش خواهد یافت و تمام معادلات اقتصادی در جامعه برهم خواهد ریخت.

مراکز تولیدی ما اعم از آنهایی که در ساخت و ساز خانه یا لوازم خانگی و سایر مایحتاج زندگی مردم فعالیت می کنند عملاً قادر به تأمین نیازهای جدید نیستند و بعد از مدت اندکی، تمام انبارهای آنها خالی خواهد شد و قیمت ها در بازار به شدت افزایش خواهد یافت و چاره ای جز واردات این اقلام نخواهد بود. این امر معادلات بازرگانی خارجی کشور را به شدت متلاطم و از کنترل خارج می کند. برآورد هزینه اولیه برای تهیه لوازم مایحتاج زندگی این گروه، قطعاً از صد هزار میلیارد تومان خواهد گذشت که تحقق آن در هاله ای از ابهام قرار خواهد گرفت.

سؤال این است که آیا کارگزاران و متصدیان امور اجرایی و برنامه ریزی کشور که فرهنگ ازدواج و تشکیل خانواده را ترویج و تشویق می کنند. آنهایی که در هر سریال تلویزیونی به نوعی موضوع ازدواج را مطرح می سازند و آنهایی که ازدواج را یکی از راهکارهای منطقی و توانمند رفع مشکلات ومعضلات اجتماعی جامعه مامی دانند، پیش بینی کرده اند که اگر مخاطبان آنها - همه کسانی که به هر دلیل نتوانسته اند ازدواج کنند - تصمیم به تشکیل خانواده بگیرند چه تبعاتی در اقتصاد ومبادلات ومعادلات اجتماعی به دنبال دارد؟ آیا همه این ها دلیل یا دلایلی منطقی برای بازنگری در اشاعه فرهنگ ازدواج در جامعه نیست؟

کوروش آقاخانی

« طریق جاوید »
« هنر دمیدن روح تعهد در انسانها است. » امام خمینی (ره)

پنجمین جشنواره سراسری فرهنگی، هنری، پژوهشی یادواره حضرت امام خمینی (ره)

مسابقه بزرگ مقاله نویسی
(ویژه دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور)
موضوع: در آراء و اندیشه های حضرت امام خمینی (ره)
(مشارکت مردم در نظام اسلامی، (فلسطین) (مردم سالاری دینی)، (منافع ملی و امنیت ملی)، (حقوق زن)، (الگوی ارتباطی امام (ره) و مردم)، (تأثیر آراء هرقلی بر دیدگاهها و سیره سیاسی ایشان)، (اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکائی)، (تحجر و التقاط)، (جمهوریت اسلامیه)، (احزاب و گروههای سیاسی)، (امام و دفاع مقدس)، (استکبارستیزی در سیره عملی حضرت امام (ره))، (فقر و غنا)، (خودسازی و ترکیه)، (امام و زن‌نگری)، (عدالت اجتماعی)، (قانون گرائی در سیره عملی حضرت امام (ره))، (فرهنگ)، (اسلام، سوسیالیسم و سرمایه داری از دیدگاه امام (ره))
۱- مقاله باید در دو نسخه در کاغذهای با ابعاد A4 با رعایت فاصله ۳ سانتی متر از هر طرف تایپ شود.
۲- حجم مقاله بین ۱۰-۱۵ صفحه باید تجاوز نماید.
۳- مقاله باید شامل عنوان، نام نویسنده یا نویسندگان، چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، بحث و نتیجه گیری و منابع مورد استفاده باشد.
۴- مقاله می تواند به شکل موضوعی و در یک محور تنظیم گردد.
به نویسندگان مقاله تا رده پنجم از ۱۵ سکه بهار آزادی اهداء خواهد شد.

کتاب برتر
کلیه کسانیکه پیرامون موضوع اندیشه های حضرت امام خمینی (ره) یا انقلاب اسلامی از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ تألیف یا ترجمه نموده اند می توانند در این بخش شرکت نمایند.
- شرکت در این مسابقه برای کلیه اساتید و دانشجویان آزاد است.
- هر شرکت کننده ملزم به ارسال حداقل دو نسخه از اثر خود می باشد.
- در صورت ترجمه بودن اثر، ارسال مشخصات کامل اثر اصلی و یک نسخه از آن (بصورت امانت) الزامی است.
به نویسندگان کتب برتر تا رده پنج از ۶ تا ۱۰ سکه بهار آزادی اهداء خواهد شد.

پایان نامه برتر
- ویژه دانشجویان و فارغ التحصیلان در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری
دانشجویانی که پایان نامه آنها با مضمون تحقیق و پژوهش درباره آراء و اندیشه های حضرت امام خمینی (ره) یا انقلاب اسلامی از سال ۱۳۸۱ تا پایان شهریور سال ۱۳۸۴ دفاع شده است، می توانند در این مسابقه شرکت نمایند.
در رده کارشناسی ارشد به پایان نامه های برتر تا رده پنجم از ۵ تا ۱۰ سکه بهار آزادی و در رده دکترا به پایان نامه های برتر تا رده پنجم از ۱۰ تا ۱۵ سکه بهار آزادی اهداء خواهد شد.

مسابقه فتاوی اطلاعات
(برنده برگزیده فتاوی اطلاعات جهاد دانشگاهی (رویش))
کسانیکه در فضای الکترونیکی با موضوعات:
۱- آراء و اندیشه حضرت امام خمینی (ره)
۲- امام و انقلاب اسلامی
(آثاری (اعم از لوح فشرده، وب سایت، وب لاگ) تولید یا طراحی نموده اند می توانند در این مسابقه شرکت نمایند.
هر شرکت کننده ملزم به ارسال حداقل دو نسخه از اثر خود می باشد.
در این مسابقه به پنج اثر برتر از ۵ تا ۱۰ سکه بهار آزادی اهداء خواهد گردید.

مهلت ارسال آثار: از تاریخ ۸۴/۲/۱ الی ۸۴/۶/۳۰
زمان و محل برگزاری سایتکاد: آبرماه ۸۴ دانشگاه تهران
اختتامیه و معرفی آثار برگزیده: آذرماه ۸۴ دانشگاه تهران
خواهشمند است مشخصات شخصی، تلفن تماس و نشانی که در آن شرکت می کنید (اثر، دانشجویی) را دقیقاً قید فرمائید.
از پذیرش آثار بعد از موعد ارسال معذوریم. ارسال تصویر کارت دانشجویی برای شرکت کنندگان در رده های دانشجویی جشنواره الزامی است.
به کلیه آثار پذیرفته شده گواهی شرکت اهداء خواهد شد. دبیر جلسه در گرفتن فیلم، اسلاید، انتشار کتاب و ویژه نامه از آثار مجاز است.

رأی هیأت داوران قطعی بوده و هیچ گونه اعتراضی پذیرفته نمی شود.
آثار هنری برگزیده در صورت تأیید آثار از سوی موزه حضرت امام خمینی (ره) خریداری خواهد شد.
دبیرخانه هیچ مسئولیتی در قبال صدمات ناشی از پست را به عهده نمی گیرد.
شرکت در مسابقه و ارسال اثر به منزله پذیرفتن کلیه شرایط جشنواره است.
اثر نیمه اول دی ماه تا پایان بهمن ماه ۸۴ و با حضور هنرمند و یا نماینده رسمی وی عودت داده خواهد شد. (پس از پایان مهلت مقرر، عدم مراجعه جهت دریافت آثار به منزله انصراف تلقی می شود.)
تنها آثاری در مسابقه پذیرفته می شوند که مرتبط با موضوع بوده، قبلاً در مسابقه ای شرکت نکرده و همچنین در نشریه ای درج نگردیده باشند.

نشانی جهت ارسال آثار:
تهران، خ انقلاب، ح ابوریحان، نبش روانمهر، پلاک ۵۰
صندوق پستی: ۱۴۱۴۵-۴۹۵
تلفن: ۶۴۶۹۶۴۱-۶۴۶۶۵۶۸
دورنگار: ۶۴۶۹۶۴۱-۶۴۹۹۲۱۲۸
سایت اینترنتی:
www.bkp.ir , www.iiaa.ir , www.ilhaa.ir

جهاد دانشگاهی
مرکز فرهنگی دانشجویی امام و انقلاب اسلامی